

هو الله - ای دوستان الهی و یاران معنوی خداوند عالمیان...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (106) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 417

هو الله

ای دوستان الهی و یاران معنوی خداوند عالمیان در قرآن حکیم میفرماید "و لکم فی رسول الله أسوة حسنة" یعنی متابعت حضرت اسوه حسنه است و اقتداء بآن مقتدای حقیقی سبب حصول نجات در دو عالم امت رسول مأمور باتباع در جمیع امور و شئون بودند و چون افرادی این منهج قویم را صراط مستقیم دانسته سلوک نمودند در اقلیم راستان و کشور خاصان ملوک گردیدند و نفوسی که در راحت و حصول آسایش کوشیدند خود را از جمیع مواهب محروم نمودند و در اسفل حفره یأس معدوم یافتند ایامشان بسر آمد و خوشیهایش پایان رسید صبح روشنائی تاریک شد و جام صافیشان درد آلود و غبار آگین نجم بازغشان آفل شد و کوب لامعشان غارب اما آن نفوس مقدسی که تأسی نمودند در افق اعلی چون نجوم هدی بدرخشیدند و در مطلع امال بانوار بیمثال ساطع گشتند بر سریر سلطنت جاودانی نشستند و بر تخت کامرانی رحمانی استقرار یافتند آثارشان باهر است و انوارشان لامع کوبشان درلست و موکبشان افواج ملائکه افلاک سرمدی قصرشان مشید است و بنیادشان وطید نورشان جهان افروز است و حرارتشان جهانسوز حال قیاس نمائید نفوسی که تأسی بآن نور مبین نمودند بچنین مواهب و مراتب فائز شدند حال ما اگر تأسی بجمال اهبی و حضرت اعلی روحی لمن استشهد فی سبیلهما الفداء نمائیم چه خواهد شد حضرت اعلی از بدایت طلوع جمالش تا یوم شهادت کبری شب و روز را در اشد بلا در سبیل خدا گذرانند و آخر الکأس سینه را هدف هزار تیر بلا فرموده با سینه شرحه شرحه بملکوت اهبی شتافتند جمال قدم اسم اعظم زهر هر بلائی چشیدند و جام لبریز هر ابتلائی نوشیدند سینه را هدف هر تیر نمودند و گردن را رهین هر شمشیر فرمودند اسیر زندان گشتند و بسته زنجیر بی امان عرصه هجوم اعدا شدند و هدف رجوم اشرار مقهور سلاسل و اغلال گشتند و مغلول وثاق و اصفاد بعید از اوطان گردیدند و سرگون بلاد بلغار و صقلاب شدند در سجن اعظم مبتلای بلای مبرم گشتند و اسیر ظلم و ستم در این زندان جفا و بئر ظلماء ایام مبارکشان بسرآمد و صعود بملکوتش فرمود حال ای دوستان با وفا و یاران آنطلعت نورا آیا سزاوار است که دیگر دقیقه ما آسوده نشینیم و صبر پیشه گیریم و آسایش و راحت جوئیم تا در آزمایش و کسالت افتیم و بخیالات خویش پردازیم و بیگانه و خویش دل بندیم لا و الله باید شب و روز آبی نیاسائیم و دل پاک را بالایش این عالم نیالائیم بزم فداء پیارائیم و جشن عشق بر پا نمائیم و با چنگ و دف و نی باهنگ ملکوت اهبی نغمه سرائیم و رقص کمان شادمان خندان بقرانگاه فدا بشتاییم و جان و تن و سر و بدن انفاق نمائیم ای یاران وفائی و ای دوستان ثبوت و استقامتی ای مبهلان تشبث و توسلی ای متضرعان تعلق و



ORIGINAL

تمسکی هر یک باید مشوق دیگری گردیم و محرک سائرین شویم و در نشر نفعات الله کوشیم و باعلاء کلمة الله پردازیم از نسیم گلشن عنایت دائماً مهتر گردیم و از شمیم گلزار احدیت ملتذ شویم در قلب ابرار شوق و شور افکنیم و در دل احرار وله و سرور اندازیم حمد خدا را که جنود ملکوت ابهی در هجوم است و نجوم افق اعلی در سطوع و سنجور علم هدی در جنبش است و سحاب عنایت در ریزش و نیر افق معانی در تابش جشن و عیش ملکوت ابهی در نهایت مسرت است و صبح عنایت ناشر پرتو هدایت آهنگ ملکوت ابهی است که از ملاً اعلی میرسد ای مرده بی جان و دل جاندار شو جاندار شو ای خفته در آب و گل بیدار شو بیدار شو ای مست و مدهوش و مضل هشیار شو هشیار شو آفاق عنبر بار شد احداق پر انوار شد اشراق آتشیار شد از جان و تن بیزار شو بیزار شو هنگام قربانی بود انفاس رحمانی بود اسرار ربانی بود بر عاشقان سردار شو سردار شو گلبانگ مرغ خوش سخن بر شاخ سرو اندر چمن درس معانی میدهد تو محرم اسرار شو تو محرم اسرار شو (ع ع)